

گفت‌وگو با ابراهیم حسن بیگی

درباره «وسوسه‌های ناتمام» رمانی پیرامون واقعه کربلا

# کار نویسنده متفاوت از مورخ است

مریم شهبازی خبرنگار

نویسنده‌گی در حیطه ادبیات داستانی آن‌هم با بهره‌مندی از تاریخ، رعایت ملزومات مختلفی را طلب می‌کند؛ آنچنان‌که با اظهارنظرهای مختلفی نیز در این رابطه روبه‌رو هستیم. از جمله اینکه کار نویسنده آثار ادبی با مورخ متفاوت است و قرار نیست در پرداخت به یک برهه یا واقعه تاریخی همه آن را بی‌کم‌وکاست به مخاطب منتقل کند. «ابراهیم حسن بیگی» از جمله موافقان این گفته است، نویسنده‌ای که از سال ۵۹ به جمع اهالی کتاب پیوسته و آثار داستانی بسیاری برای گروه‌های مختلف روانه کتابفروشی‌ها کرده؛ رمان‌ها و داستان‌های کوتاهی که برخی از آنها به فهرست برگزیده جوایزی همچون کتابخانه مونیخ راه یافته‌اند و بعضی هم در رویدادهای داخلی از جمله جایزه کتاب سال کسب عناوینی را برای او رقم زده‌اند. او که تا به امروز دبیری جشنواره‌های متعدد و همچنین مسئولیت‌های اجرایی بسیاری را بر عهده داشته، سال‌هاست در کنار نویسندگی به تدریس علاقه‌مندان داستان‌نویسی نیز مشغول است. حسن بیگی بهره‌گیری از تاریخ برای خلق آثار ادبی را مستلزم در نظر گرفتن مسائلی می‌داند و توصیه‌ای هم برای جوانان دارد، اینکه سراغ داستان‌نویسی تاریخی، بویژه وقتی با دین گره‌خورده باشد نزنند مگر وقتی که تجربه کافی کسب کرده باشند. از ابراهیم حسن بیگی بترازی رمانی با عنوان «وسوسه‌های ناتمام» از سوی نشر کتابستان منتشرشده، گفت‌وگوی امروزمان به این رمان که مضمون آن برخاسته از واقعه کربلا است و همچنین اسما و اگرهای داستان‌نویسی تاریخی اختصاص دارد.

■ تازه‌ترین نوشته‌تان بگوید، «وسوسه‌های ناتمام» که مضمونی متناسب با این ایام دارد. پیرامون واقعه کربلا آثار داستانی متعددی نوشته‌اند، شما با چه نگاهی سراغ این اتفاق دینی-تاریخی رفتید که هم اصل ماجرا حفظ شود و هم برای مخاطب تازگی داشته‌باشد؟

علاقه‌مندی‌ام به تألیف این کتاب به نوشته‌های قبلی ام‌بارزی می‌گردد. بعد از نوشتن رمان‌های «محمد» و همچنین «قدیس» که درباره حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) هستند، بعدتر هم «ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» که به‌نوعی خلاصه شده قدیس است همچنان دلم در گرو این بود که رمانی هم پیرامون این واقعه یا درباره خود شخص امام حسین (ع) بنویسم. این آرزوی من حتی ریشه در سال‌های دورتری در دهه شصت دارد. آن زمان من و برخی دوستان به فکر تألیف داستان‌هایی درباره این واقعه برای کودکان و نوجوانان افتادیم و داستان‌ها و آثار متعددی هم روانه کتابفروشی‌ها کردیم. باین حال هیچ‌گاه شرایطی فراهم نشد که بتوانم داستانی برای مخاطب بزرگسال در این رابطه بنویسم.

■ اما گفتنیست برای هم‌باز از تکرار و تألیف یک بازآفرینی شبیه کارهای دیگر چه کردید؟

از همان ابتدا نگران همین مسأله بودم و حساسیت زیادی هم در باره‌اش داشتم. از همین بابت هم تلاش کردم ساختار و قالب امروزی و مدرن‌تر برای روایت ماجرای که مد نظر من بود انتخاب کنم.

■ و از همین بابت پای جوان کوفی داستان‌تان را به زمان حاضر باز کرده‌اید؟

بله، وقتی بحث موضوعی تاریخی بسیار مشهوری در میان است که مخاطب هم درباره‌اش می‌داند باید طوری دست به بازآفرینی و حتی خلق دوباره آن بزنیم که برای خواننده جذاب بوده و تازگی داشته باشد.

■ در خلق داستان‌هایی این چنینی، ضرورت را بر تمرکز بیش‌تر به بهره‌مندی از ساختارهای مدرن ادبی می‌دانید یا خلق مضمونی متناسب با سلیقه مخاطب امروزی؟

هر دو اینها مهم است، حتی در اقتباس‌ها و بازنویسی‌های ادبی هم باید به این مسأله توجه کرد. «وسوسه‌های ناتمام»- درباره روح جوانی کوفی است که از واقعه کربلا تا به امروز سرگردان مانده است، ایوب، شخصیت اصلی این رمان از زمان حاضر به بازگویی به سال‌ها قبل بر او گذشته بوده می‌پردازد و به مرور چرایی سرگردانی‌اش را شرح می‌دهد. اصل ماجرای این رمان زندگی خود ایوب است و داستان دل‌باختگی‌اش به دختر یکی از فرماندهان سپاه مقابل امام حسین (ع). از همان عشق‌های یک دفعه‌ای که با نگاهی گریبان آن را می‌گیرد؛ از آنجایی که راوی داستان در زمان حاضر دست به بازگویی ماجراهایی که در زمان زنده‌بودنش بر او گذشته، می‌زند. روایت این عشق و عاشقی به واقعه کربلا هم در مواردی گره خورده چراکه بستر جغرافیایی آن شهر کوفه است. ■ در عین تلاش برای امروزی کردن داستانی تاریخی، از ادبیات کهن هم بهره گرفته‌اید.

■ شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۰  
■ سال بیست و هفتم  
■ شماره ۷۷۰۹

نویسنده‌گان و فیلمسازان اغلب در پاسخ منتقدان خود تأکید می‌کردند که ما مورخ نیستیم! این درباره نوشته من هم صادق است. براساس عشق و علاقه‌ای که به امام حسین دارم، از این واقعه تاریخی به‌واسطه برداشت خودم بهره‌مند شدم.

■ بهره‌مندی از تاریخ، بویژه وقتی در آمیخته با دین باشد برای نویسنده ادبیات داستانی همچون راه رفتن روی لب تیغ است؛ تعادل میان واقعیت و تخیل را در این رمان چطور حفظ کردید؟

چگونگی حفظ تعادل میان مرز واقعیت و تخیل در خلق این قبیل داستان‌ها، بیش از همه نیازمند تجربه است. بگذارید با هم اشارهای به دهه شصت داشته باشم. در آن سال‌ها تألیف داستان‌های مذهبی را بنا به ضرورتی که حس می‌کردم آغاز کردیم. حالا وقتی بعد از سال‌ها به آن داستان‌ها نگاه کنیم آنها فاقد هرگونه خلاقیت و نوآوری بوده و اغلب تنها یک بازآفرینی از وقایع دینی- تاریخی به‌شمار می‌آیند. البته عجیب هم قرار می‌گیرند به‌نوعی مصداقی از همان پسرکشی است که در آثاری همچون شاهنامه شاههستیم!

بله، اما هم چگونگی ورودرو شدن این دو بسیار متفاوت است و هم عاقبت نبرد ایوب و پدرش. ■ در کنار بازگویی ماجرای رمان، برای مسائل مرتبط با زمان حاضر هم جایگاهی قائل شده‌اید؟

بله، راوی در بازگویی وقایعی که بیش از یک‌هزار و ۴۰۰ سال قبل بر او گذشته به دوره خودمان هم می‌پردازد و حتی مصداق‌هایی از شرایط و مسائل امروز جوانان را د مقایسه با زمانه خودش می‌آورد. این طور نیست که ایوب تنها در زمانه ما سرگردان باشد، حتی برخی گفته‌ها و مقایسه‌ها او را مرتبط باهم اکنون است. با قالب‌هایی از این جنس می‌توان پیوند بهتری میان مخاطبان جوان با مضامین دینی-تاریخی موردنظرمان ایجاد کرد. خواننده امروزی اشتیاق چندانی برای مطالعه تاریخ ندارد و باید با جذابیت‌های متناسب با سلیقه‌اش او را به سمت‌وسوی موردنظر برد. این واقعه مهم برای مخاطب ایرانی اتفاقی نیست که درباره‌اش نشنیده یا نتخوانده باشد. بنابراین تلاش کردم همه واقعه کربلا را مجدد بازگویی نکنم؛ بلکه در کنار روایت زندگی جوان قصه‌مان بخشی از آن را همراه با مخاطبان مرور کنم. تألیف در حوزه آثار تاریخی نیازمند رعایت ملزوماتی است؛ از جمله همان نکته‌ای که اشاره شد؛

اینکه نویسنده به‌دنبال شیوه روایت تازه‌تری باشد و از رقتن به سراغ قالب‌هایی که دیگران بارها به سراغ آنها رفته‌اند پرهیز کند. از این طریق می‌توان هم‌نظر علاقه‌مندان داستان‌های تاریخی و هم آنهایی را که بیشتر به‌دنبال داستان هستند، جلب کرد.

■ چه میزان از این رمان بر مبنای واقعیت است؟

از کل این رمان ۱۷۰ صفحه‌ای، تنها شاهد روایت بخشی از صحنه کربلا هستیم که شاید ۳۰ صفحه هم نشود. طبیعتاً این بخش از تاریخ که در «وسوسه‌های ناتمام» آمده واقعی است اما شخصیت اصلی داستان‌ها و ماجراییی که در مواجهه او با پدرش می‌خوانید تخیل صرف محسوب می‌شود. در تاریخ عاشورا اصلاً چنین شخصیت و اتفاقی نبوده است. حجم کمی از تاریخ در این رمان آمده چراکه در داستان‌های تاریخی، کل ماجرا را نباید یک‌دفعه پیش روی مخاطب گذاشت. در داستان‌نویسی قرار نیست نویسنده همه ماجرای مدنظرش را به مخاطب منتقل کند. این کار مورخ و مستندنگار است. نویسنده بنا بر نیاز حسنی مخاطب و براساس نگاه خود می‌تواند بخشی را برگزیده و به میان اثر خود بیاورد. در خاطرم هست که برهه‌ای به علی حاتمی ایراد گرفته بودند سربال‌هایی که راجع به قاجار می‌سازد اصلاً شبیه وقایع تاریخی آن زمان نیست! او نیز در پاسخ گفته بود من مورخ نیستم، بلکه تاریخ را در قالب هنر می‌گویم. نادر ابراهیمی و نویسنده‌هایی از همین دست نیز اینگونه هستند. این

مورخ شرح وقایع تاریخی را

پیش روی مخاطب می‌گذارد

اما نمی‌تواند درباره روح آن

اتفاق و مفاهیمی همچون درد

و رنج چیزی به خواننده منتقل

کند. اینکه جلوی چشم

فرزندت از دست برود، رنج

تشنگی را متحمل شوی و...

مواردی است که لایه‌های درونی

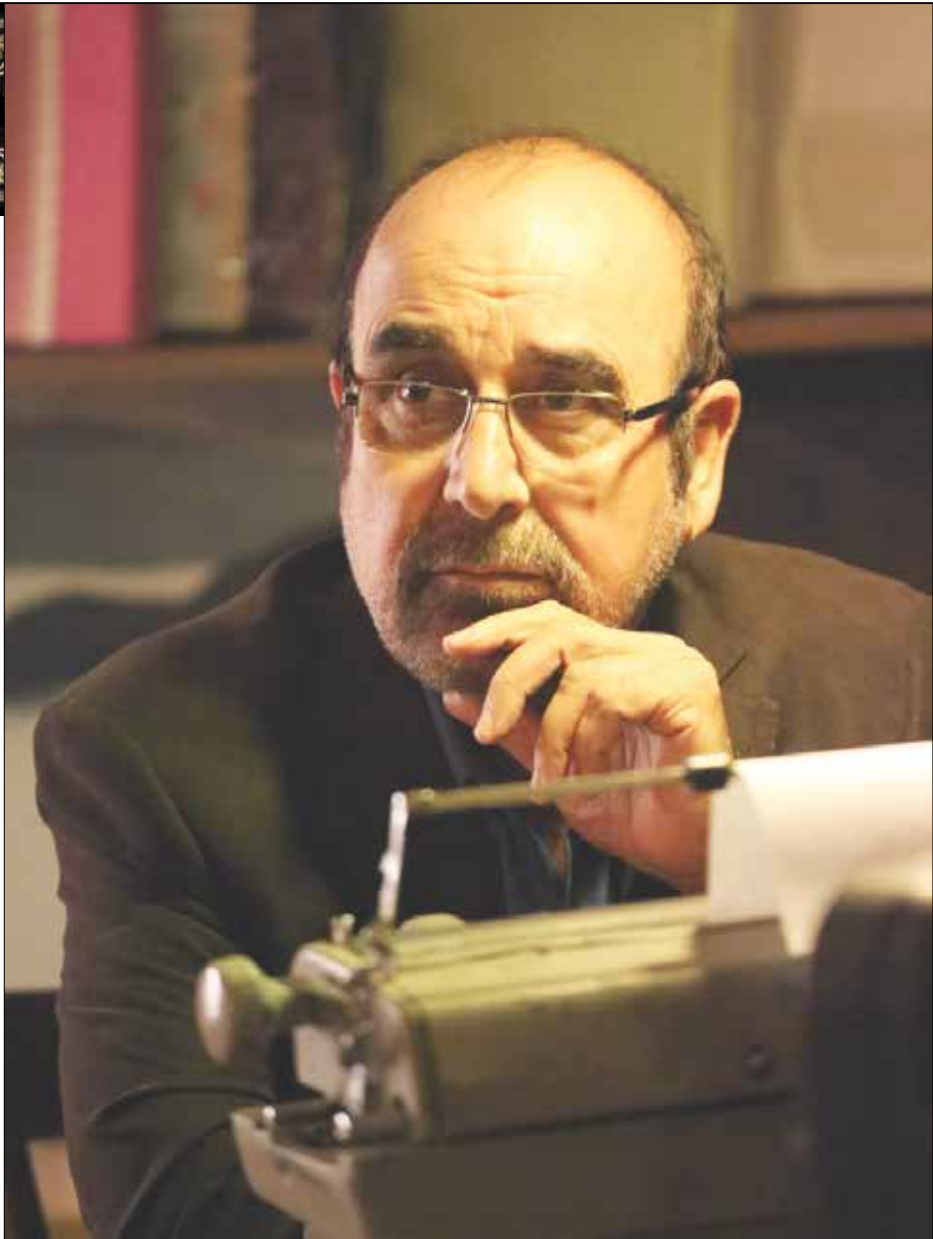
وقایع تاریخی را نشان می‌دهد؛

همان کاری که از عهده نویسنده

ساخته است

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



■ نگاه ساده‌انگارانه‌ای را که متوجه بازنویسی ادبیات کهن است در داستان‌های دینی-

تاریخی هم شاهد هستیم؟

در کنار عجل بودن نویسنده‌گانی که بی‌کسب تجربه و اطلاعات کافی سراغ این عرصه می‌روند مسأله‌ای که اشاره کردید هم یکی از مشکلات این بخش از ادبیات داستانی‌مان است. هنوز هم برخی گمان می‌کنند به‌راحتی یک واقعه تاریخی را باکمی تغییر بازنویسی می‌کنند و مخاطب هم از آن استقبال می‌کند. اینها مخاطب را متأسفانه دست‌کم می‌گیرند. متأسفانه به‌ندرت نویسندگان صاحب‌تجربه سراغ داستان‌نویسی براساس چنین موضوعاتی می‌روند و از همین بابت با تعداد کمتری آثار شاخص در مقایسه با دیگر عرصه‌ها روبه‌رو هستیم. این هم نکته‌ای است که جای بحث و بررسی دارد.

■ برای نویسنده‌گانی که خواهان خلق آثاری با مضامینی همچون واقعه کربلا هستند که نزدیک ۱۴ قرن آن می‌گذرد چه توصیه‌ای افزون بر ضرورت کسب تجربه و اطلاعات دارید؟

اغلب نویسندگان در این حوزه می‌نویسند و نوقلم هستند و به لحاظ تکنیکی هنوز به پختگی نرسیده‌اند. اینها بی‌شک به همان روشنی که من و دوستانم در دهه‌ها قبل دچار شدیم مبتلا می‌شوند؛ مگر اینکه بعد از کسب تجربه سراغ داستان‌نویسی تاریخی- دینی بروند تا قادر به بهره‌گیری از قدرت خلاقیت در نوشته‌های خود باشند.

■ چه نقشی برای ناشرانی قائل هستید که به‌طور تخصصی آثاری در این حوزه‌ها منتشر می‌کنند؟ اینها چقدر در هدایت آثار داستانی این عرصه به‌سوی مسیر درست مؤثر هستند؟

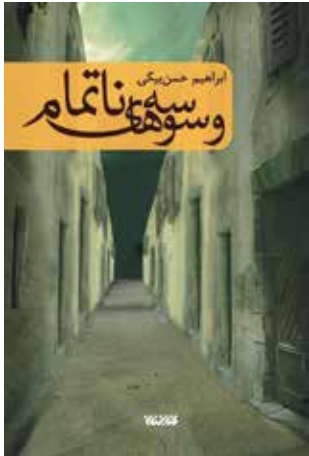
خیلی زیاد. اگر هر نوشته‌ای را برای انتشار قبول نکنند نویسندگان هم ناچار به ارتقای قبل خود می‌شوند. در این بین جوایز ادبی هم می‌توانند سبب تشویق جوانان به نوشتن آثار اصولی شوند. هرچند که این عرصه هم با اماوآگرهای متعددی روبه‌روست.

■ در تألیف این قبیل آثار شیوه مستقیم گویی را بیشتر در جذب مخاطب مؤثر می‌دانید یا پرداخت غیرمستقیم؟

مستقیم گویی سبب ارائه کاری شبیه نوشته مورخ می‌شود؛ نویسنده که قرار نیست اینگونه بنویسد. مخاطب ادبیات داستانی چنین شیوه‌ای را نمی‌پسندد و هم من آن را به‌هیچ‌وجه توصیه نمی‌کنم.

■ در آخر بگویند که این روزها مشغول چه کاری هستید؟

برپایی جایزه‌ای ادبی در جزیره کیش را به عهده دارم. جایزه‌ای با عنوان داستان کوتاه جنوب که به‌تازگی دومین فراخوان آن اعلام شده است. در این جایزه به‌دنبال تشویق جوانان به داستان‌نویسی در این عرصه هستیم. جنوب کشورمان با وجود آنکه برای برهه‌ای با نویسندگان شاخصی همچون احمد محمود، نقش جریان‌سازی در ادبیات معاصر داشته اما چندی است که دیگر شاهد بروز افتاق خاصی در آن نیستیم. با برپایی این جایزه که در دو سطح منطقه‌ای (میان شهرهای جنوبی) و کشوری برگزار می‌شود درصدد تقویت دوباره داستان جنوب هستیم. اما خودم مشغول تألیف رمان «حمید، حمید احمد» هستم که ترجیح می‌دهم درباره‌اش توضیح چندانی ندهم. در همین حال بگویم که درباره یکی از سرداران نامی حداقل باید ۲۰ سال از آغاز داستان‌نویسی مستمر یک نویسنده بگذرد تا بتواند در چنین



کسی نخواند، بی‌فایده است. اما در کنار همه اینها نوع بیان نویسنده نیز اهمیت بسیاری دارد.

■ به «وسوسه‌های ناتمام» بازگردیم؛ قدری از ماجراییی که برای ایوب در این کتاب رخ می‌دهد بگویید و اینکه وقایعی که بر او گذشته صرفاً با نگاه تاریخی- داستانی قابل مطالعه است یا مابه‌ازای امروزی هم دارد؟

بله اصلاً نمی‌شد بدون توجه به این مسأله

علاقه نشان می‌دهند. بنابراین قدم نخست

را خود نویسنده مشخص می‌کند که بر چه

اساسی سراغ تاریخ ببرد تا بعد قالب و بیانی را انتخاب کند که برای خواننده هم جذاب باشد. نویسنده علاوه بر توجه به

علاقه‌مندی‌اش باید به موضوع یا حیطه

موردنظر هم اشراف تاریخی داشته باشد.

از سوی دیگر از نیازسنجی جامعه هم نباید

غافل شود. اگر داستانی تاریخی بنویسد که

برخی از آثار حسن بیگی

<b>پایان / نشر تبستان</b>	
«پایان» روایتی نفسگیر دارد؛ رمانی که مخاطب را با یک شوک و تعلیق بزرگ همراه می‌کند. داستان آن دربار مردی محکوم به اعدام است که در واپسین شب زندگی خود به روایت و مرور ذهنی داستانی نشسته که او را از زندگی ساده شهری به ورطه نابودی کشانده است. راوی یک مسافرکش معمولی تهرانی است که خیلی اتفاقی به عنوان مظنون حمل مواد مخدر سر از زندان درمی‌آورد. «پایان» رمانی اجتماعی انتقادی است که از نظر موقعیت و فضای روایی، اثری خواندنی به‌شمار می‌آید.	
<b>ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند / نشر عهد مانا</b>	
«ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» درباره یک کشیش ساکن مسکو است که کتاب‌ها و آثار خطی قدیمی را دنبال می‌کند. ماجرای این رمان از وقتی شروع می‌شود که تسخه‌ای خطی از مردی تاجیک به دستش می‌رسد، خواهان خرید آن می‌شود اما صاحب کتاب به دست افرادی که درصدد دست یافتن به این نسخه ارزشمند هستند کشته می‌شود. در پی این اتفاق کشیش روسی با پدر مسیری می‌گذارد که در نهایت به آشنایی و شناختش از حضرت علی (ع) منتهی می‌شود.	
<b>روایتی ساده از ماجرایایی پیچیده / نشر سوره مهر</b>	
«روایتی ساده از ماجرایایی پیچیده»، رمانی متناسب نوجوانان و درباره پسری به اسم الیاس است. ماجرای این کتاب سال‌ها قبل در دوره ارباب‌رعیتی در ترکمن صحرا رخ می‌دهد. داستان الیاس با دلدل‌دگی‌اش به دختر خان شروع می‌شود، عشقی که خیلی زود نفرت جایگزینش می‌شود و ماجراهای دیگری بی‌در پی آن می‌آید. این رمان روایتی زمین و خان و رعیت است با چاشنی عشقی ناخواسته. مفهوم برتری و نابرابری، مفهومی است که در ظرف مکان و زمان نمی‌گنجد و الیاس بهانه‌ای است تا نوجوانان امروز ما با این مفاهیم آشنا شوند.	
<b>غنچه بر قالی / انتشارات کانون پرورش</b>	
«غنچه بر قالی» داستانی تصویری برای کودکان و درباره دختری ترکمن است. «صفورا»، دختر این داستان احساس می‌کند از زمانی که کل کلدان خشک شد، پدرش دچار افسردگی شده. او تصمیم می‌گیرد یک قالیچه کوچک ببافد، سجاده‌ای برای پدرش که نقش یک گل در زمینه سفیدش باشد، اما وقتی این فکر را با پدر در میان می‌گذارد واکنشی نمی‌بیند و فکر می‌کند شاید پدرش هم مانند مادر باور ندارد که در تمام ترکمن صحرا کسی بتواند گلی را روی سجاده نقش کند. ترجمه انگلیسی این کتاب، موفق به کسب عنوان برگزیده کتابخانه ملی مونیخ آلمان شده است.	